

## برساخت‌های فردی و اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی

### فاطمه یزدی‌زاده باغینی

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### نیر پیراهری<sup>۱</sup>

گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

### علی‌رضا صنعت‌خواه

گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

### چکیده

هدف این پژوهش کشف و شناسایی برساخت‌های فردی و اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی است و روش آن از نوع کیفی تفسیری است. استراتژی انجام پژوهش اکتشافی متوالی است که با تکنیک نظریه داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل زنان زلزله زده شهر بم هستند که تعداد ۱۲ نفر از آنان به صورت هدفمند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها با توجه به روش کدگذاری انجام شده و بر اساس تحلیل داده‌ها از متن مصاحبه‌ها ۲۲۴ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۲۲۴ گزاره معنادار تعداد ۲۱۸ مفاهیم متناظر بیرون کشیده شد. مفاهیم متناظر به دلیل همپوشانی و تکراری بودن تعداد زیادی از آنها به ۴۵ خرده مقوله تبدیل شدند. همچنین بخاطر نزدیکی و همپوشانی معنایی بسیاری از خرده مقولات محوری در مرحله کدگذاری محوری ۴۵ خرده مقوله موجود به ۱۷ مقوله محوری تبدیل شده‌اند که این مقولات عبارت از: فضای بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی، تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، نگاه سنتی به بلایا، از بین رفتن حریم خصوصی، سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه، انفعال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود، آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری هستند که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح «آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در فضای بحران‌زده و نابسامان زندگی فاجعه‌وار و در بستر تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام گونه به پیامدهای آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت و حتی تنزل منزلت مادری منجر شده است» ظاهر شد که می‌تواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد.

کلیدواژه‌ها: زنان، آسیب‌های اجتماعی، زنان زلزله زده، شهر بم.

## مقدمه

مسائل و آسیب‌های اجتماعی مشکلاتی نامطلوب و شایع در جامعه هستند (لطفی خاچکی و رازقی، ۱۳۹۸: ۳۲۵) که نظر به وسیع بودن ابعاد آسیب‌ها و گسترش روزافزون آنها مستقیماً در عملکرد فرد و جامعه اثر می‌گذارند. صرف نظر از ضرر و زیان‌های اقتصادی، بهداشت جسمی و روانی، فرد و جامعه را نیز به مخاطره می‌افکند، همواره یکی از دغدغه‌های دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی کشور تعیین حدود و ثغور آسیب‌های اجتماعی بوده است (معمدی، ۱۳۸۶: ۳۲۷). مسایل و آسیب‌های اجتماعی به دلیل عمومیت آن در جامعه افراد زیادی را درگیر خود می‌کنند. به همین دلیل مسایل و آسیب‌های اجتماعی ضرورتی انکارناپذیر در همه جوامع برای مطالعه و پژوهش دارند. آسیب‌های اجتماعی برخی ریشه در ساختارها و مسایل فرهنگی و برخی ریشه در مسایل محیطی دارند. مسایل اجتماعی در هر کشوری پیامدهای احتمالی نامطلوبی برای افراد و سازمان‌ها و جامعه دارد. بر همین اساس حل موفقیت‌آمیز مسایل اجتماعی هم به جهت گیری سازگار با مسئله و هم مهارت‌های لازم برای تولید راه حل‌های مناسب و مؤثر نیاز دارد (رومانو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۲). در حال حاضر خانواده‌ها دچار انواع آسیب و بحران هستند که برخی از آنها شامل طلاق، اختلاف زناشویی، بدرفتاری با افراد مسن، خودکشی، کودک‌آزاری، کودکان فراری و خشونت زناشویی هستند. این بحران‌ها موجب می‌شود که خانواده نتواند به عملکرد اساسی عمل کند (رضائی و آبدار، ۱۳۹۶: ۳۶). همچنین مسایل و آسیب‌های اجتماعی اقشار مختلفی را در بر می‌گیرد که زنان در این عرصه قشر آسیب‌پذیری هستند. مسایل و آسیب‌های اجتماعی زنان در خانواده سبب فروپاشی ارکان خانواده می‌شود و فرزندان خانواده نیز در نتیجه همانندسازی با مادر و مشکلات عاطفی ناشی از آسیب‌ها وی با انحرافات، مسائل و پیامدهای جبران‌ناپذیری مواجه می‌شوند (بابایی‌فرد، و حبیبی‌راد، ۱۳۹۷: ۱۷۴). امروز مطالعه این حوزه از اجتماع نیازمند انجام پژوهش‌های عمیق و دقیق است. بر همین اساس بررسی مسایل اجتماعی از عمده‌ترین مباحث جامعه‌شناختی است و این شاخه از جامعه‌شناسی در سطح کلان و به تبیین عمده‌ترین مسایل اجتماعی یک جامعه اهتمام ورزیده است. افزایش نگرانی عمومی در خصوص مسایل اجتماعی به لحاظ میزان خسارات وارده از جانب این مسایل بر پیکره جامعه و همچنین دشواری روز افزون مقابله با آنها، شناخت علمی و دقیق‌تر این مسایل را ضروری می‌نماید (رومانو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۲)، لذا از آنجایی که بخش عظیمی از مسایل و آسیب‌های اجتماعی نتیجه عارضه‌های محیطی هستند، بنابراین لزوم مطالعه آسیب‌هایی مانند زلزله و پیامدهای ناشی از این فاجعه طبیعی بیش از پیش احساس می‌شود و فاجعه طبیعی زلزله به دلیل تلفات انسانی آن به مساله‌ای اجتماعی تبدیل شده و دارای آثار و پیامدهای نامطلوبی بر زندگی اجتماعی انسان‌هاست. در ۱۲ مه ۲۰۰۸ زمین‌لرزه‌ای به بزرگی ۸.۰ ریشتر استان جنوب غربی سیچوان چین را لرزاند و مطالعات اخیر نیز هنوز هم مشکلات سلامت روان را در بین بازماندگان مشخص کرده است و ماه‌ها پس از زلزله هنوز هم آثار آن در بین زنان بازمانده وجود دارد (کیو<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲: ۱۱۷). در فرایند درگیری افراد در مسایل اجتماعی زنان در مقایسه با مردان نسبت به آسیب‌های اجتماعی شکننده‌تر هستند. چرا که زنان در جوامع وضعیت نابرابری را در جوامع تجربه کرده‌اند. هرچند امروزه از ویژگی‌های دوران نوین، افزایش تلاش به منظور دستیابی زنان به فرصت‌های اجتماعی برابر با مردان است. اما هنوز امکان دستیابی و تسلط زنان به حوزه‌های اقتصادی با وضعیت نابرابری روبه‌روست. موضوع زنان در دوران اخیر مانند دیگر موضوعات اجتماعی و انسانی، مورد بازنگری مجدد و به عنوان مسئله‌ای چشمگیر قرار گرفته و ابعاد مختلف زندگی آنها مورد توجه قرار گرفته است. این جهش نه تنها در قلمرو مسائل فرهنگی و اجتماعی آنها، بلکه در روند آسیب‌شناسی و سبک زندگی آنها مورد توجه قرار گرفته است.

<sup>1</sup> Romano

<sup>2</sup> Romano

<sup>3</sup> Qu

امروزه وضعیت زنان که نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند در سراسر دنیا تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و فرهنگی (اشتغال، بهداشت، ازدواج، باروری، آموزش و پرورش) قرار داشته است. مسایل زنان عمدتاً از مسایل اقتصادی شروع شده و به دیگر حوزه‌ها کشیده می‌شود. با این حال زنان در کشورهای صنعتی و در حال توسعه و بالاخص جهان سوم سخت‌تر از مردان کار می‌کنند این در حالی است که در مقابل کار سخت بهایی ناچیز به آنها داده می‌شود، همچنین با توجه به همه جانبه بودن مفهوم توسعه، هنگامی روند آن سیر مطلوب را در جهان طی می‌کند که امکانات و تمهیدات فراهم آمده برای نیمی از جمعیت یعنی زنان، به گونه‌ای باشد تا ضمن حفظ و تقویت شئون انسانی و تحکیم جایگاه وی در خانواده، زمینه شکوفایی ابتکار و خلاقیت را برای آنان ایجاد و امکان ارتقای فرهنگی و مشارکت سازنده و گسترده شان را در جامعه فراهم آورد (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲). از طرف دیگر، از آنجایی که زنان نقش تربیت مادری و تربیت نسل آینده را بر عهده دارند، آسیب‌های اجتماعی آنان می‌تواند برای خود و خانواده، و جامعه بسیار جدی است (کریمی‌زاده و بوستانی، ۱۳۹۶: ۸). با توجه به حجم شایع بودن مسایل و آسیب‌های اجتماعی هنوز مطالعات کمی در مورد حل مسئله اجتماعی انجام شده و اغلب تحقیقات به شناخت این مسایل اقدام کرده‌اند (رومانو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۲) و نیاز است تا دلایل عمیق و پیامدهای تجربه شده این آسیب‌ها مورد مطالعه علمی قرار گیرد. لازم به ذکر است که جامعه‌شناسی اگرچه در شناسایی و تبیین مسائل اجتماعی دیدگاه‌های نظری متنوعی را بسط داده؛ از شناسایی و تحلیل و تبیین مسائل زنان همواره غفلت ورزیده و آن را موضوعی حاشیه‌ای دانسته است (صادقی‌فسایی و مقدم، ۱۳۹۲: ۳۰۹). چرا که در اغلب تحقیقات جامعه‌شناسی، به پیامدهای آسیب‌های زنان، چنان که باید و شاید توجه نمی‌شود و غالباً تجارب زنان از آسیب‌های اجتماعی مانند زلزله و فجایع طبیعی به دلایل گوناگونی مغفول مانده است. آسیب‌های اجتماعی یکی از پدیده‌های اجتماعی است که به وفور در مورد آن نظریه وجود دارد. برای مثال نظریه‌های آسیب‌های اجتماعی شامل؛ نظریه‌های کنترل، نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، الگوی کنترل اجتماعی رکلس، نظریه کنترل اجتماعی فرایدی و هیگ، نظریه شرم‌نده سازی بریتویت، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه پیوند افتراقی، نظریه هویت‌پذیری افتراقی، نظریه تقویت افتراقی، فرصت‌های نامشروع افتراقی کلوارد و آهلین، نظریه پنجره‌های شکسته، نظریه فشار ساختاری، نظریه آنومی دورکیم، نظریه فشار مرتون، نظریه فشار جامعه شناختی - روان شناختی آگنیو، نظریه بی‌سامانی یا آنومی، بی‌سامانی اجتماعی و بوم‌شناختی شهری، نظریه برچسب‌زنی، نظریه کنش متقابل، نظریه انحرافات اجتماعی، نظریه انحرافات تالکوت پارسونز، نظریه خرده فرهنگ انحرافی آلبرت کوهن، نظریه خرده فرهنگ بزهکاری میلر، نظریه درون‌فهمی و کج رفتاری دیوید ماتزا و گرشام سایکس، نظریه انحراف مکتب تضاد، نظریه مارکسیستی و نظریه فرهنگ فقر هستند. اما مساله این است که همه یا هیچکدام از این نظریات نمی‌توانند تبیین‌کننده آسیب‌های اجتماعی یک قشر خاص (زنان) و یا یک فرهنگ (شهر بم) خاص باشند. بر همین اساس این پژوهش به روش کیفی درصدد فهم برساخت و تجربه شخصی زنان زلزله‌زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی است و براساس چارچوب نظری موجود و آرایه الگویی بومی با رویکرد گراند تئوری به تحلیل علمی این موضوع در میان شهروندان شهر بم می‌پردازد و این انتظار می‌رود که رویکردی متفاوت از آنچه وجود دارد، توسعه یابد. هدف اصلی پژوهش بررسی تجربه زیسته زنان شهر بم از آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله و آرایه الگو می‌باشد. این پژوهش با هدف اکتشاف و تدوین یک الگوی بومی از برساخت‌های فردی و اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی انجام شده روش کیفی با استراتژی گراند تئوری برای انجام آن مناسب به نظر می‌رسد و قصد محقق می‌تواند کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق باشد. دلیل انتخاب گراند تئوری به خاطر استخراج رویکرد نظری جدید در این زمینه است، هرچند در ارتباط با آسیب‌های اجتماعی نظریات متعددی وجود دارد، اما به کارگیری این نظریات در جامعه آماری مورد نظر اکثراً نتیجه مطلوبی را نداشته‌اند، به همین خاطر اتکا به یک رویکرد

<sup>1</sup> Romano

بومی، ضمن متفاوت بودن این پژوهش با کارهای مشابه انجام شده، می‌تواند منجر به تدوین الگویی شود که بر خاسته از نظرات و تجربه زیسته زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی است. بنابراین این نظریه بهتر و بیشتر علاوه بر تبیین برساخت‌های فردی و اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی کمک کند و گراندد تئوری بهترین رویکرد پژوهشی برای ارایه الگوی بومی است. چرا که از طریق گرانددتئوری ضرورت رفتن به عرصه زندگی واقعی افراد برای کشف آنچه واقعاً وجود دارد و به آن اعتقاد دارند، محقق می‌شود. هرچند که در این رویکرد ممکن است نظریاتی وجود داشته باشد، اما گراندد تئوری می‌تواند باعث بسط نظریات موجود هم باشد. پس محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان ۱۲ نفر از زنان زلزله زده شهر بم که تجربه مستقیمی از آسیب‌های ناشی از زلزله بم داشته‌اند، به تدوین برساخت‌های فردی و اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی پرداخته است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان زلزله زده شهر بم هستند که به صورت هدفمند به عنوان جامعه آماری انتخاب شده‌اند. انتخاب مشارکت‌کنندگان در پژوهش کیفی با هدف دستیابی به بیشترین اطلاعات در مورد پدیده مورد بررسی انجام می‌شود و از این رو زنان زلزله زده شهر بم دارای بیشترین اطلاعات در این حوزه هستند. همچنین زنان زلزله زده شهر بم عمدتاً مطلعان کلیدی‌ای هستند که در تجربه زیسته و مستقیمی از آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله دارند که به صورت هدفمند شناسایی و با هماهنگی‌های بسیار زمانبندی برای انجام مصاحبه انتخاب شده‌اند. این زنان به دلایل فرهنگ سنتی جامعه و تجربه آسیب‌های اجتماعی تمایلی به مصاحبه و صحبت کردن از خود ندارند و جلب اعتماد آنها برای مشارکت در پژوهش از چالش‌های اصلی این تحقیق بوده است. روش نمونه‌گیری نیز نمونه‌گیری نظری است و در نمونه‌گیری نظری انتخاب نمونه‌ها با توجه به تحلیل داده‌های گردآوری شده پیشین شناسایی می‌شود. باگذشت زمان به عمق و تمرکز نمونه‌گیری افزوده می‌شود، زیرا در مراحل اولیه، بیشتر کشف مفاهیم و مقولات تازه و در مراحل بعد، عمق و غنا بخشیدن به این مقولات، مدنظر قرار می‌گیرند. نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که محقق به اشباع نظری رسیده باشد و اشباع نظری، زمانی حاصل می‌شود که داده‌های اضافی، کمکی به تکمیل و مشخص کردن یک مقوله نظری نمی‌کنند و نمونه‌ها از آن پس مشابه به نظر می‌رسند. بنابراین نمونه‌گیری از زنان زلزله زده شهر بم تا جایی ادامه می‌یابد که محقق به این نتیجه برسد همه زنان زلزله زده شهر بم نظر واحدی در ارتباط با برساخت‌های فردی و اجتماعی زنان زلزله زده شهر بم از آسیب‌های اجتماعی دارند. در کل جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌های عمیق انجام شده و فرآیند تفسیر و تحلیل مصاحبه‌ها با توجه به روش کدگذاری انجام شده است.

#### پیشینه پژوهش

افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵). در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین‌شهر)» به تحلیل آسیب‌های زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند. در این پژوهش کیفی یافته‌های تحقیق نشان داد زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند که تجربه حريم نامن را برای آنان به همراه دارد. زارعان و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران» به بررسی سیاست‌های برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه در مورد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار پرداخته‌اند است. نتایج این تحقیق، که به روش تحلیل محتوای کیفی جمع‌آوری شده، نشان می‌دهد برنامه‌های توسعه اقدام مؤثری برای افزایش عاملیت زنان در ناحیه دسترسی به منابع و حضور در شبکه‌های اجتماعی و بازار نداشته و فقط به حمایت‌های اندک مالی و تا حدودی حمایت‌های اجتماعی بسنده کرده است؛ سیاستی که نمی‌تواند به کاهش فقر و بهبود زندگی این زنان در درازمدت منجر شود. خسروی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب‌های روانی- اجتماعی زنان سرپرست خانواده» به این نتیجه رسید که مشکلات اقتصادی، عدم آمادگی برای امور اقتصادی خانوادگی، نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به زن سرپرست خانواده، نگرانی نسبت به آینده فرزندان و تعدد و

تعارض نقش را، از عمده‌ترین مشکلات زنان سرپرست خانوار می‌نامد. شادی طلب و گرایبی‌نژاد (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «فقر زنان سرپرست خانوار» نشان دادند فقر زنان سرپرست خانوار در شهر روند نزولی داشته، اما زنان بی‌سواد و کم‌سواد در مناطق شهری به شدت در معرض فقر قرار داشته‌اند و زنان سرپرست خانوار به دلیل بی‌سوادی، داشتن خانوارهای کوچک و تعداد شاغلان کمتر در خانواده، جزء فقیرترین فقرا هستند. صادقی‌فسایی و رجب‌لاریجانی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی «استراتژی‌های توانمندسازی زنان در مقابله با آزارهای جنسی در محیط کار» پرداختند. داده‌های این تحقیق به کمک روش کیفی بدست آمده و نشان داده ۶۲ نفر (از ۸۲ نفر مورد مطالعه) آزار جنسی را تجربه نموده‌اند. بیشتر زنان برای مقابله با آزار جنسی از سکوت، مدارا و ترک محیط استفاده می‌نمایند که در بیشتر موارد به توقف آزار جنسی منتهی نمی‌شود و مشکلات بیشتری را نیز ایجاد می‌نمایند. بنابراین توانمندسازی زنان از اهداف توسعه انسانی است که می‌تواند زنان را در برابر آزار جنسی در محیط کار مقاوم سازد و پیامدهای منفی آن را به حداقل برساند. رحمانی‌بلندی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تبیین درک زنان از بهداشت قاعدگی در مناطق زلزله زده» به تحلیل آسیب‌های ناشی از زلزله پرداخته‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از کدگذاری باز انجام شد و بر اساس اشتراکات مفهومی، دسته‌ها و طبقات شکل گرفته و طبقات نیز بر اساس اشتراکات معانی پنهانی به درون مایه‌ها یا تم‌ها دسته‌بندی شدند. یافته‌های این مطالعه مبین این مساله است که نیازهای بهداشت قاعدگی زنان در مناطق زلزله زده در بستری از تشدید مشکلات و باورهای بومی و عدم خود مراقبتی زنان نمایان و به دنبال نبود خدمات بهداشتی و سیستم مدیریتی کارآمد، باقی می‌ماند. بنابراین شناخت این نیازها برای سیاست‌گذاران بهداشتی برای برنامه ریزی در مواقع بحران از اهمیت خاصی برخوردار است. اعظم‌آزاده و مظفری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج‌کرده با اتباع خارجی (عراقی - افغانی) و عوامل مؤثر بر آن» به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر طرد اجتماعی زنان ازدواج‌کرده با اتباع خارجی (عراقی - افغانی) می‌پردازند. تحلیل رگرسیونی چند متغیره نشان داد از بین این پنج متغیر، تنها «طرد جنسیتی» قابلیت توضیح متغیر طرد را نداشته و چهار متغیر دیگر ۳۶/۱ درصد از تغییرات طرد اجتماعی را تبیین می‌کنند. یافته‌های تحلیل مسیر نیز نشان می‌دهد «احساس داغ‌نگ» قوی‌ترین پیش‌بین تغییرات متغیر طرد اجتماعی در نمونه مورد بررسی است. نجارنهندی و آهنگر سلابتی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان» نشان می‌دهند که منطقه محل سکونت، مدت زمان بیرون ماندن از خانه، تأهل، نوع شغل، جامعه پذیری و خاطرات گذشته افراد بر میزان احساس امنیت در بانوان تأثیر بسزایی دارد. صادقی‌فسایی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن» که با روش کیفی انجام داده و می‌کوشد تا تصور و راهبرد زنان نسبت به خشونت‌های خانگی را از زبان خود آنان بازگوید. یعنی خصوصی تلقی کردن خشونت خانگی، تحلیل عمیق آن را دشوار می‌کند. در مصاحبه‌های کیفی، زنان کاملاً بر این موضوع واقف بودند که زندگی آنان به وسیله اشکال مختلف خشونت تهدید می‌شود و بستر اجتماعی و ارزش‌هایی که در جامعه زنان را بی اعتبار می‌سازد، به‌طور کامل مشوق خشونت علیه آنهاست. در این تحقیق موضوعات کلیدی مرتبط با بستر و زمینه‌ای که خشونت در آن اتفاق می‌افتد و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی بررسی می‌شود. صادقی‌فسایی و مقدم (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)» در صدد مطالعه مسائل اجتماعی، همواره جزو بخش‌های پیچیده جامعه‌شناسی بوده است؛ این تحقیق که از نوع کیفی و اکتشافی است و نتایج نشان داده که جامعه‌شناسی اگرچه در شناسایی و تبیین مسائل اجتماعی دیدگاه‌های نظری متنوعی را بسط داده؛ از شناسایی و تحلیل و تبیین مسائل زنان همواره غفلت ورزیده و آن را موضوعی حاشیه‌ای دانسته است. شاید بهترین راه برای جبران غفلت جامعه‌شناسی، در نظر گرفتن تجربیات روزانه زنان و شناسایی مشکلات آنان بنا بر روایت خودشان باشد.

تامده<sup>۱</sup> و همکارانش (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «زندگی اجتماعی مدرن و مشکلات بهداشتی زنان مجرد قطعی» به روش کیفی نشان داده‌اند که این سبک زندگی این به پیامدهایی مانند حرکت به سمت بیماری، پریشانی، اضطراب و پارانوئیا گرایش دارند و در کل تجرد قطعی و مسایل بهداشتی ناشی از آن در بین این زنان یکی از آسیب‌های اجتماعی شایع است. رومانو<sup>۲</sup> و همکارانش (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «حل مسایل اجتماعی در اختلال اضطراب اجتماعی» هم به جهت‌گیری سازگار با مسئله و هم مهارت‌های لازم برای حل مناسب مساله را بررسی کرده‌اند. بر همین اساس حل موفقیت آمیز مسایل اجتماعی هم به جهت‌گیری سازگار با مسئله و هم مهارت‌های لازم برای تولید راه حل‌های مناسب و مؤثر نیاز دارد. بانارجی<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «شناسایی عوامل خشونت جنسی علیه زنان و حمایت از حقوق آنها در بنگلادش» خشونت جنسی علیه زنان یک نقض حقوق بشری به ویژه بر علیه یک جنس تلقی می‌کند و نوعی تبعیض است که به تداوم ساختارهای مردسالاری و مردسالاری زنان در تمام سطوح جامعه ادامه می‌یابد. این مطالعه نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی مردسالارانه، ازدواج اجباری، عمل فرهنگی، موانع دسترسی به عدالت از عوامل اصلی خشونت جنسی در بنگلادش هستند. رواناپاکول<sup>۴</sup> و همکارانش (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «دیدگاه‌های مربوط به خشونت علیه زنان در فیلم تایلندی: ابدیت» به تحلیل خشونت علیه زنان در رسانه‌ها می‌پردازند. این مطالعه نشان داد که خشونت علیه زنان همچنان ادامه دارد و در این فیلم جاسازی شده است، که شامل خشونت مستقیم، خشونت ساختاری و خشونت فرهنگی است. مک‌گوان<sup>۵</sup> و الیوت (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «خشونت هدفمند علیه همسایگان و اعضای جامعه زنان معلول» به بررسی حملات همسایگان و یا اعضای جوامع محلی به زنان معلول به عنوان نوعی جرم از نفرت و به طور خاص خشونت هدفمند می‌پردازد.

#### محدوده مورد مطالعه

شهرستان بم یکی از شهرستانهای استان کرمان در جنوب شرقی ایران است. مرکز این شهرستان شهر بم است. جمعیت شهرستان بم بنا بر سرشماری سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران برابر ۲۷۷۸۳۵ نفر بوده است. این شهرستان از شمال و غرب به شهرستان کرمان، از جنوب غرب به شهرستان جیرفت، از جنوب به شهرستان عنبرآباد و از مشرق با شهرستانهای نرماشیر و محمدآباد محدود می‌شود. مرکز این شهرستان از نظر جغرافیایی در ۵۸ درجه و ۲۱ دقیقه درازای خاوری و ۲۹ درجه و ۶ دقیقه پهنای شمالی و در ارتفاع ۱۰۶۰ متری از سطح دریا قرار دارد. شهر بم در ۲۰۰ کیلومتری جنوب خاوری کرمان و در مسیر راه کرمان - زاهدان واقع است. آب و هوای بم گرم و خشک است اما به علت مجاورت با کویر آب و هوای متغیری دارد، به طوری که گاهی اوقات در تابستان‌ها گرم‌ترین و در زمستان‌ها سردترین نقطه کشور گزارش شده است. میزان بارندگی سالانه بطور متوسط ۶۸ میلی‌متر است. حدود طبیعی آن از شمال به کوه‌های شرقی کرمان و چاله تکاب و چاله هامون شور گز و از شرق به شنزارهای شورگز و چاله ریگان و از جنوب به خط الرأس کوه‌های شاهسواران و سلسله جبال بارز و کوه‌هازار و از غرب به دشت پایکوبی راین ختم می‌گردد. این شهرستان که ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰۶۲ متر است از نظر ارتفاعات دو وضعیت متفاوت دارد: یکی ناحیه کوهستانی که ادامه رشته کوه‌های مرکزی ایران و مشهور به جبال بارز (این کوه‌ها چون سدی بین بم و جیرفت واقع شده اند و تنها راه عبور از آنها گردنه‌هایی چون گردنه معروف دهبکری است) و کوه هزار در جنوب غربی راین که مرتفع‌ترین کوه این ناحیه است. دیگری ناحیه پست کویری است که مشتمل بر شنزار و نمکزار لوت و اطراف آن بوده و پست‌ترین نقطه آن با ارتفاع ۳۳۰ متر از سطح دریا در حد بین شوره گز و فهرج واقع است.

<sup>1</sup> Tamdee

<sup>2</sup> Romano

<sup>3</sup> Banarjee

<sup>4</sup> Ruangnapakul

<sup>5</sup> McGowan

شهرستان بم دارای اقلیم بیابانی گرم خفیف می باشد. میانگین بارش سالانه در این شهرستان ۵۵/۶ میلی متر و دامنه تغییرات متوسط دمای آن از ۱۰ الی ۳۴/۳ درجه سانتی گراد می باشد.

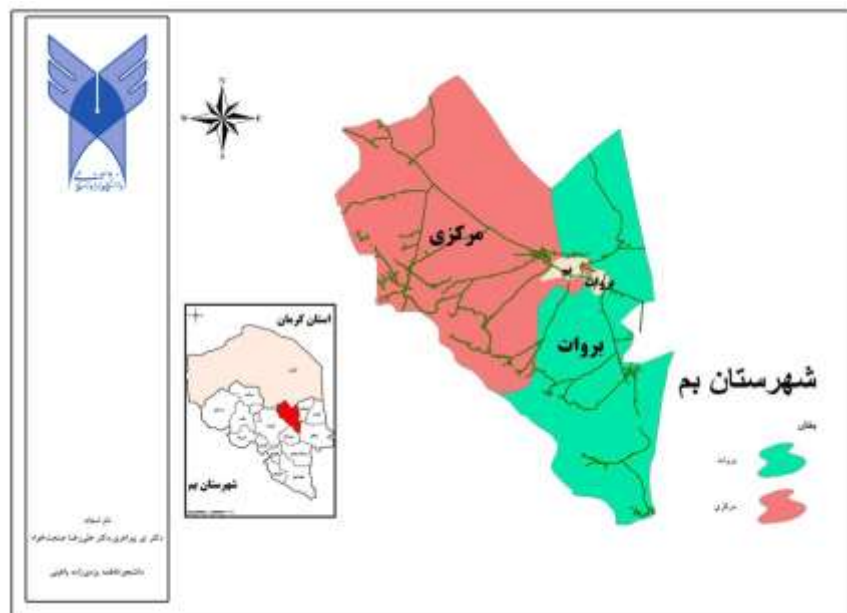
عوارض طبیعی

• ارتفاعات: اهم ارتفاعات این شهرستان عبارتند از: کوه های جبالبارز

رودخانه‌ها: دشتوک، کنارنایی، پشموکک، بکلی، گرند، انارک، نسا، بندر، پشت رود، چله خونه، غوثیه

• منابع تأمین آب و حوزه آبریز و شبکه رودخانه ها

آب این شهرستان از طریق ۹۴۵ حلقه چاه، ۳۴۸ رشته قنات، تعدادی رشته چشمه با میزان آبدهی ۷۵۸/۶۰ میلیون متر مکعب و از طریق رودخانه ها نیز با میزان آبدهی ۳۲۰ میلیون متر مکعب تأمین می شود.



نقشه ۱. محدوده شهر بم

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

### یافته‌های پژوهش

بدون شک نظریات گسترده‌ای در راستای آسیب‌های اجتماعی وجود دارند که به کارگیری آنها در گذشته و حال نتوانسته است در زمینه وضعیت بحران‌های ناشی از زلزله در ایران گشایشی ایجاد کنند، بنابراین محقق در این زمینه درصدد برآمد تا با الگویی بومی برخوردار از آرا و عقاید زنان آسیب‌دیده در زلزله بم که تجربه مستقیمی از این پدیده دارند، بتواند رویکردی نوینی به تبیین الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان در ایران ایجاد کند که نسبت به سایر الگوهای موجود کارایی بالاتر و کاربردی‌تری داشته باشد. بر همین اساس کار با انجام ۱۲ مصاحبه عمیق شروع شد و بر اساس روش اشتراوس و کربین در سه مرحله کدگذاری تحلیل شد و از متن مصاحبه‌ها ۲۲۴ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۲۲۴ گزاره معنادار تعداد ۲۱۸ مفاهیم متناظر بیرون کشیده شد. مفاهیم متناظر به دلیل همپوشانی و تکراری بودن تعداد زیادی از آنها به ۴۵ خرده مقوله تبدیل شدند. همچنین بخاطر نزدیکی و همپوشانی معنایی بسیاری از خرده مقولات محوری در مرحله کدگذاری محوری ۴۵ خرده مقوله موجود به ۱۷ مقوله محوری تبدیل شده‌اند. مقولات محوری محصول انتزاع فکری از خرده مقولاتی که در فرایند کدگذاری از مفاهیم معنادار و متناظر بیرون کشیده شده‌اند. هرچند مشارکت‌کنندگان پژوهش اشاره تلویحی به برخی از خرده مقولات داشته‌اند، اما حدود ۹۰ درصد خرده مقولات و ۹۵ درصد مقولات محوری

ساخته و انتزاع شده ذهن محقق است که با توجه به حساسیت نظری موجود اقدام به مقوله سازی شده است. در نهایت پس از بررسی دقیق تر و پیوند بین مفاهیم خرده مقولات، ۱۷ مقوله محوری به دست آمد که این مقولات عبارت از: فضای بحران زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی، تجربه خشونت، سوگواری و داغ‌دیدی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، نگاه سنتی به بلایا، از بین رفتن حریم خصوصی، سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود، آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری هستند که با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای به شرح «آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در فضای بحران زده و نابسامان زندگی فاجعه‌وار و در بستر تجربه خشونت، سوگواری و داغ‌دیدی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به پیامدهای آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت و حتی تنزل منزلت مادری منجر شده است» ظاهر شد که می‌تواند تمامی مقولات دیگر را تحت پوشش قرار بدهد. جدول زیر نتایج تحلیل داده‌ها را در مراحل کدگذاری محوری و گزینشی نشان می‌دهد. در اینجا ابتدا هر ۱۷ مقوله همراه با نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان مطرح می‌شود. پس از طرح مقولات، مقوله هسته‌ای و نهایتاً مدل پارادایمی به تصویر کشیده می‌شود.

### جدول ۱. خروجی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی

مقوله هسته نهایی	مقولات محوری	خرده مقولات
با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به پیامدهای آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت و حتی تنزل منزلت مادری منجر شده است.	فضای بحران زده زندگی	بی‌نظمی اجتماعی
		نابسامانی‌های محیطی
		در هم ریختگی
	سوگواری و داغ‌دیدی	سوگواری و داغ‌داری
		سوگ بیمارگونه مزمن
		رفتارهای خود شکنانه ناشی از سوگ
	زنانگی آسیب‌ها	زنانه شدن آسیب‌ها
		زنانه شدن فقر و بیکاری
		زنانه شدن اعتیاد
	تنزل منزلت مادری	فرو دست نگه داشتن زنان
		تحقیر نقش مادری
		خودزنی و عدم توجه به خود
	رفتارهای خودشکنانه	آرزوی مرگ و خودکشی
		نامیدی و افسردگی
		بی‌تفاوتی
	انفصال و کناره‌گیری اجتماعی	مکانیزم انکار در ذهن
		انزواگزینی
شوک و ضربه حادثه		
تجربه فاجعه	وضعیت ترسناک فاجعه	
	وحشت‌زدگی	
	ارتباط حوادث طبیعی با گناه	
نگاه سنتی به بلایا	احساس گناه	
	رهاشدگی زنان و کودکان	
خشونت علیه خانواده		



خشونت عریان	تن فروشی و تجربه روسپی شدن
تلاش‌های جعلی برای بهبود	تکدی‌گری و مشاغل کاذب
	کسب درآمد از جسم
آزار جنسی	تجاوز و خشونت جنسی
	خطر روسپی شدن
سوغ باقیمانده	سوغواری دائمی
	حجم بالای از دست دادگان
	از دست دادن عزیزان
سازگاری با بحران	تقدیرگرایی و پذیرش مصیبت
	تسکین‌های اعتیادآور
تجربه خشونت	خشونت علیه زنان
	قربانی تجاوز جنسی
	تنش‌های تجربه شده
از بین رفتن حریم خصوصی	سیل ورود بیگانگان
	دگرگونی فضای بومی
	تغییر فضای کالبدی
حاکمیت فرهنگ مردسالاری	پدرسالاری
	بی‌قدرتی زنان در جامعه محلی
	شکل‌گیری خرده‌فرهنگ زنانه
نابسامانی‌های محیطی	وقوع بحران محیطی
	حاشیه‌ای شدن زندگی

در کدگذاری محوری داده‌های کدگذاری باز را دوباره با ایجاد روابط بین هر مقوله و مقولات فرعی آن، به نوعی جدید به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در کدگذاری محوری تکیه روی مشخص کردن یک مقوله (پدیده) با در نظر گرفتن شرایطی که به ایجاد آن می‌انجامد، قرار دارد و آن شرایط عبارت است از زمینه‌ای که مقوله در آن واقع شده است. همچنین در این مرحله مایه گرفتن مفاهیم از داده‌ها، مشخصه اصلی راهبرد نظریه زمینه‌ای است و به کمک تحلیل مقوله‌ها می‌توان فرایند نظریه‌سازی را تشریح کرد. در مورد نامگذاری مناسب مقوله‌ها، پرسیدن سؤالات برانگیزنده، مقایسه و استنتاج طرحی نو، یکپارچه و واقع بینانه از انبوه داده‌های خام و سازمان نیافته، نیاز به خلاقیت ویژه‌ای دارد و با توجه به خلاقیت باید حساسیت نظری راهگشای ادامه کار باشد. حساسیت نظری از خلال تجربه حرفه‌ای، مطالعه متون، تجربه شخصی، و روند تحلیل داده‌ها در خلال پژوهش بر حساسیت نظری محقق می‌افزاید. حساسیت نظری از آن جهت مهم است که اساساً پژوهش کیفی و نظریه‌مبنایی در پی معنادادن به داده‌ها هستند. در ادامه هر یک از ابعاد مدل با توجه به خلاقیت و حساسیت نظری مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته‌اند.

### تحلیل مولفه‌های مدل استخراجی

در نظریه مبنایی مقولات استخراجی را در سلسله روابطی به شکل یک الگو به هم مرتبط می‌شوند که بیانی از شرایط علی، پدیده مرکزی، بسترها، شرایط میانجی و مداخله‌گر، راهبرد کنش یا استراتژی‌ها و پیامدهاست. با استفاده از این الگو می‌توان به طور سیستماتیک درباره داده‌ها فکر کرد و آنها را به صورتی پیچیده به یکدیگر مرتبط کرد. بسط و گسترش مقولات و به هم پیوستن آنها به وسیله پارادایم به وسیله همان شیوه اصلی تجزیه و تحلیل یعنی طرح پرسش و انجام مقایسه‌ها صورت

می‌گیرد. انجام روند کدگذاری محوری از راه این شیوه‌ها بسیار پیچیده است، علت پیچیدگی آن این است که در حقیقت چهار عمل تحلیلی مجزا تقریباً هم زمان صورت می‌گیرد.

ایجاد ارتباط فرضی بین خرده مقولات با یک مقوله به وسیله اظهاراتی که به نوع روابط بین آنها و پدیده دلالت می‌کند و در کدگذاری محوری نوع سئوالاتی که پرسیده می‌شوند در حقیقت بر نوع روابط دلالت دارند. با در نظر داشتن سئوالاتی که مقولات را به همدیگر مرتبط سازد به داده‌ها روی رجوع می‌شود و به جستجوی شواهد و وقایع برای تأکید یا تکذیب پرسش‌های محقق پرداخته می‌شود. اگر داده‌ها سئوال را تأکید کردند آنگاه سئوال را تغییر داده شده به اظهاری درباره روابط، یعنی به نوعی فرضیه تبدیل می‌شود. در ضمن اینکه محقق به دنبال شواهدی در داده‌ها برای تأیید اظهارات مبتنی بر روابط است. انجام این کار به نظریه استخراجی غنای تحلیلی می‌بخشد و کمک می‌کند تنوع هرچه بیشتری را کشف کرد.

همچنین ارتباط دادن مقولات به مقوله اصلی (محوری) به وسیله الگوی پارادایمی صورت می‌گیرد. در این فرایند مقولات برحسب روابط پارادایمی آنها مرتب می‌شوند و نظم تازه‌ای می‌دهد تا به طور مناسبی با خط داستان منطبق باشد. با استفاده از چنین داستانی به عنوان راهنما، تحلیلگر می‌تواند کار مرتب کردن و درباره مرتب کردن مقولات را با توجه به پارادایم تا موقعی که به نظر برسد با داستان منطبق است، شروع کند و شرحی تحلیلی از داستان را فراهم آورد. روایت داستان و ترتیب ترادف آنها کلید طبقه‌بندی مقولات به طور وضوح است. در ادامه برای فهم بهتر مولفه‌های مدل هر کدام به تفصیل تشریح خواهند شد.

#### - شرایط علی

شرایط علی شرایطی هستند که حوادث و وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد را شامل می‌شوند. این شرایط علت اصلی وقوع یک پدیده هستند. در بحث ارایه الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده شهر بم سه مولفه اصلی در قالب؛ فضای بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه و نابسامانی‌های محیطی به دست آمده است. مقوله اصلی فضای بحران‌زده زندگی از سه خرده مقوله؛ (بی‌نظمی اجتماعی، نابسامانی‌های محیطی و در هم ریختگی) تشکیل شده است. در همین ارتباط یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که:

خونه ما سه طبقه بود... مامستاجر بودیم ... خونه شش واحد بود... موقعه زلزله خوب یادمه ... خواب بودیم... چند ثانیه هم نشد که ناگهان همه جا لرزید و برق رفت. بلافاصله فرار کردیم و به راه پله آمدیم. آن جا دیگر تعادل‌مان را از دست دادیم و افتادیم روی زمین، اما همه خانواده و اهالی ساختمان زنده ماندیم. ولی ساختمان به طور کامل تخریب شد و هیچ چیز از ساختمان باقی نماند. یه پیرزن نتونست فرار کنه و زیر آوار موند...

در علت دیگر مقوله تجربه فاجعه وجود دارد. تجربه فاجعه نیز از سه خرده مقوله (شوک و ضربه حادثه، وضعیت ترسناک فاجعه و وحشت‌زدگی) تشکیل شده است. یکی از مشارکت‌کنندگان در همین ارتباط بیان می‌کند که:

اولین روزهای بعد از زلزله روزهای سختی بود. شوک بزرگی بود. نمی‌دونستی کی زنده است کی مرده؟ مشارکت‌کننده دیگری بیان می‌کند:

تا چندماه شوکه بودم و نمی‌توانستم صحبت کنم...

در سومین مقوله هم که نابسامانی محیطی وجود دارد، خود این مقوله از دو خرده مقوله (وقوع بحران محیطی و حاشیه‌ای شدن زندگی) وجود دارند. در تایید این مقولات نیز یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که:

فضای بیرون از خانه واقعاً نا امن بود... البته خونه‌ای هم نداشتیم ... تو چادری که بودیم خیلی وضعیت خوب نبود... وضعیت حموم و دستشویی افتضاح بود.

به طور کلی شرایط علی می‌توانند تعیین‌کننده پدیده آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده باشد. این شرایط که شامل فضای

بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه و نابسامانی‌های محیطی هستند. هر سه مقوله به دلیل همجواری و همپوشانی نزدیک به هم در یک بسته آسیب محیطی ناشی از بحران و فاجعه جانمایی شده‌اند و به این بسته محیطی ناشی از فاجعه اولین علت آسیب‌هایی است که متوجه زنان زلزله زده شده و تا کنون نیز آثار و پیامدهای این آسیب‌ها در زنان بم وجود دارد.

#### - بسترها

بسترها نقشی اساسی در شکل‌گیری بحران‌ها و آسیب‌ها دارند؛ در حقیقت بدون وجود بستر، نمی‌توان شاهد بروز پدیده‌ها بود. بسترها نقشی سازنده در شکل‌گیری آسیب‌ها دارند. هرگاه بستری برای وقوع یک پدیده مهیا باشد، احتمال وقوع آن سرعت می‌یابد. در تحلیل پدیده‌ای مانند آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله باید بستری برای وقوع باشد که در این پژوهش بسترهای؛ خشونت علیه خانواده، سوگواری و داغ‌دیدی و حاکمیت فرهنگ مردسالاری مهمترین بسترها برای وقوع آسیب‌های اجتماعی علیه زنان زلزله زده بوده است. تجربه خشونت به ویژه خشونت علیه زنان فضای وقوع آسیب‌های اجتماعی را باعث می‌شود. اولین مقوله به عنوان تجربه خشونت از زبان بیشتر مشارکت کنندگان به آن اشاره شده بود. خشونت علیه خانواده خود از دو خرده مقوله: (رهاشدگی زنان و کودکان و خشونت عریان) تشکیل شده که به نحوی هر دو مقوله گویای خشونت بوده که در اغلب زنان زلزله زده گزارش شده است. در همین ارتباط یکی از مشارکت کنندگان که تجربه تلخی از این مقوله را داشته بیان می‌کند که:

همان روزهای اول زلزله بچه‌ها و کودکان در بین اجساد و تعفن مرده‌ها وول می‌خوردند... بچه‌های زیادی بعد از زلزله به خاطر بیماری تلف شدند.

مقوله دیگر که به عنوان یک بستر مهم وجود دارد، سوگواری و داغ‌دیدی است. این مقوله با گذشت سال‌ها هنوز هم در اذهان زنان زلزله زده وجود دارد و هنوز هم بستری برای آسیب‌پذیری روحی و روانی زنان است. سوگواری و داغ‌دیدی سوگواری به دنبال از دست دادن عزیزان، فرآیندی طبیعی و لازم است که به شکل‌های مختلفی در فرد داغ‌دیده دیده می‌شود. سوگ به عنوان یک پدیده اجتماعی-روانی به صورت یک حادثه پیش‌بینی‌پذیر و یا غیر قابل پیش‌بینی برای هر فردی در تمامی جوامع بشری از صنعتی تا ابتدایی تجربه‌ای گریزناپذیر است. اما اگر سوگواری پس از طی کردن زمان عادی هنوز وجود داشته باشد، از آن به عنوان یک آسیب روانی یاد می‌کنند. سوگواری و داغ‌دیدی در این مدل از سه خرده مقوله؛ (سوگواری و داغ‌داری، سوگ بیمارگونه مزمن و رفتارهای خود شکنانه ناشی از سوگ) تشکیل شده است. در ارتباط این سه خرده مقوله که به یک مقوله اصلی تبدیل شده‌اند، اظهار نظرهای همسویی از چندین مشارکت کننده به صورت مستقیم و غیر مستقیم بیان شد. برای مثال:

من همیشه خودمو سوگوار میبینم. داغدارم... داغ فرزند... خدا نصیب دشمن هم نکنه!

در اظهار نظر دیگری:

یک شبه زلزله بساط شادی مان را برچید و ما را به سوگ نشاند. خیلی از فامیلامو از دست دادم. پسر تازه از سربازی اومده بود ... (اشک در چشمانش جمع شده و هنوز هم سوگوار) می‌خواست زن بگیره ....

این موارد و چندین اظهار نظر مشابه همه در اینکه سوگواری و داغ‌دیدی آسیب ماندگار زنان زلزله زده بوده اتفاق نظر دارند و سوگ باقی‌مانده یک آسیب روانی همراه همیشگی زنان زلزله زده بم است.

در مقوله حاکمیت فرهنگ مردسالاری به عنوان دیگر بسترهای آسیب زنان زلزله زده آسیبی است که زنان در مناطق زلزله زده تجربه کرده‌اند. هرچند در بستر سنتی جوامع زنان کمتر دیده می‌شوند، اما در موقع بحران این نادیده‌انگاری بسیار بیشتر شده و این تفکر علاوه بر آسیب‌های جدی آن، در موقع بحران بسیار بدتر جلوه می‌یابد. مردسالاری، یک روش سنتی در اداره خانواده است که در بیشتر موارد منجر به خشونت خانگی علیه زنان می‌شود و به شیوه‌های مختلفی از قبیل حساس بودن به

ظاهر زن، آزار زن به گونه‌های مختلف، طبیعی بودن پرخشگری مردان نسبت به زنان و ... خود را نشان می‌دهد. حاکمیت فرهنگ مردسالاری از سه خرده مقوله (پدرسالاری، بی‌قدرتی زنان در جامعه محلی و شکل‌گیری خرده‌فرهنگ زنانه) تشکیل شده است. در راستای تایید این مقوله به عنوان بستری برای آسیب زنان زلزله زده بیشتر مشارکت کنندگان به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کدهای از این دست اشاره داشته‌اند. برای مثال یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کند که: دو سال که گذشت به اجبار ازدواج کردم... باورتون نمی‌شه با کسی که سی سال ازم بزرگتر بود... اونم سه سال پیش فوت کرد... من دوران خیلی بدی داشتم. اولش زندگی خوبی داشتم ... قسمت نشد خوب!

این تفکر مرد سالارانه ریشه در فرهنگ سنتی جوامع دارد و از گذشته تا کنون عاملی برای آزار و اذیت زنان بوده است. مردسالاری به معنای افزایش بیش از حد قدرت و مسئولیت‌های مردان در جامعه است. امروزه در جوامعی که مرد سالاری رایج است زنان از قدرت بیش از حد مردانشان به ستوه می‌آیند و می‌خواهند با مردسالاری مبارزه کنند، اما در گذشته خبری از مبارزه نبوده و معمولاً زنان قربانی می‌شدند.

#### - شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایط ساختاری هستند که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر راهبردهای کنش و واکنش اثر می‌گذارند. آنها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آنها را محدود و مقید می‌کنند. شرایط مداخله‌گر می‌توانند نقش شتاب‌دهنده یا بازدارنده‌ای بر پدیده مرکزی داشته باشند. بر همین اساس شرایط مداخله‌گری مانند؛ نگاه سنتی به بلایا و از بین رفتن حریم خصوصی دو شتاب‌دهنده آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله زده هستند. هر یک از این مقولات اصلی که تشکیل دهنده شرایط مداخله‌گر بوده‌اند خود از چندین خرده مقوله تشکیل شده‌اند. در همین ارتباط مقوله نگاه سنتی به بلایا از دو خرده مقوله (ارتباط حوادث طبیعی با گناه و احساس گناه) تشکیل شده است. برای تایید اصالت این دو خرده مقوله کدهایی در مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند. برای نمونه:

حتما میل خدا بوده... کاریش همیشه کرد. تقدیر خدا بوده این بلا سرمون بیاد. لابد گناهکاریم... خدا بیخشه.

در مقوله مهم دیگر از بین رفتن حریم خصوصی بومیان شتاب‌دهنده بعدی است. در دوران زلزله به دلایل کمک رسانی و کار در مناطق ویران شده افراد زیادی به این مناطق با فرهنگ‌های مختلفی وارد شدند. هر چند غالب این افراد برای حل مشکلات و کاهش آلام زلزله زدگان به مناطق زلزله زده آمدند، اما هدف برخی آنها با عملشان یکی نبود و در مواردی آسیب‌های جدی برای زلزله زدگان به وجود آوردند. از بین رفتن حریم خصوصی به عنوان یک مقوله اصلی از سه خرده مقوله (سیل ورود بیگانگان، دگرگونی فضای بومی و تغییر فضای کالبدی) تشکیل شده است. بر همین اساس حتی در دوران بازسازی بافت سنتی از بین رفت و بافت جدید ساخته شده به نظر بومیان بافتی غیرقابل قبول بود. در راستای تایید این نظرات برخی از مشارکت کنندگان دلایل خودشان را بیان کرده‌اند. برای همین یکی از زنان آسیب دیده زلزله بم بیان می‌کند که: از طرفی هم حریم خصوصی ما از بین رفته بود. بعد از وقوع زلزله در بم بحرانی در این منطقه ایجاد شد و خانواده‌ها که تا پیش از این داخل خانه بودند، ناچار شدند در کانکس‌ها و چادرها زندگی کرده و حتی از سرویس‌های بهداشتی مشترک استفاده کنند.

یا در اظهار نظر دیگری:

وضع زنان بدتر بود... کسی به ما توجه نمی‌کرد... جگر گوشه هامونو از دست داده بودیم. زخمی بودیم. برخی از اینایی که اومده بودن حسابی برامون زحمت کشیدن... اما تک و توکی هم بودن پلشت بودن... یادمه تو اون اوضاع یکی بهم پیشنهاد بی شرمانه‌ای داد... این از مصیبت زلزله برام سنگین تر بود.

در ارتباط با تغییر فضای کالبدی نیز اظهار نظرهای زیادی وجود داشت که تغییر فضا را ناخوشایند بیان کرده بودند. برای مثال

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند:

بعد زلزله بم دیگه بم نشد... همه چی تغییر کرد... اصلا شهری دیگری شد. حتی مردمش هم تغییر کردن... دیگه اون همسایه‌ها و صمیمیت‌ها نموند... باور کن یه کسانی رو اینجا آوردن یا اومدن اصلن مال اینجا نیستن... بنابراین این مسایل سبک تفکر در مورد گذشته‌های ایده‌آل آنها را به شدت مخدوش کرد و این به عنوان یک آسیب روحی همراه زنان زلزله زده بوده است.

#### – استراتژی‌ها

بر اساس استراتژی به آوردن نیرو به صحنه اطلاق می‌شود و به بیان دیگر طرح دراز مدتی است که برای نیل به یک هدف مشخص طراحی و تبیین می‌گردد. استراتژی‌ها یا راهبردها مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده مورد نظر یعنی آسیب‌های اجتماعی زنان هستند. راهبردها مقصود داشته، هدفمند هستند و به دلایلی صورت می‌گیرند. البته همواره شرایط مداخله‌گری نیز حضور دارند که راهبردها را سهولت می‌بخشند یا آن را محدود می‌سازند. استراتژی‌ها در این مدل شامل چهار مقوله اصلی؛ سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنا، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی و تلاش‌های جعلی برای بهبود هستند. هر کدام از این چهار مقوله نیز از چندین خرده مقوله مهم تشکیل شده‌اند. ترکیب خرده مقولات بر اساس حساسیت نظری انجام شده است. در اولین مقوله اصلی سازگاری با بحران وجود دارد. سازگاری با بحران از دو خرده مقوله (تقدیرگرایی و پذیرش مصیبت و تسکین‌های اعتیادآور) تشکیل شده است. این وضعیت راهبردی برای پذیرش آسیب‌های اجتماعی بوده است. در راستای تایید این ادعا بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر سر این موضوع اتفاق نظر دارند و این اتفاق نظر را در قالب جملاتی به شکل زیر بیان شده است:

واقعا ساختم بود. از زن بودنم برای اولین بار ناراحت بودم... اما بخاطر بچه هام تحمل کردم.

بعد زلزله هم وضع خوب نشد... همش وعده توخالی دادن... سه سال دوندگی کردم تا بهزیستی قبول کرد ما رو تحت پوشش قرار بده... الانم با یارانه و پول بهزیستی زندگی می‌کنیم... یه خونه برامون ساختن و دیگه هیچ...

در دیگر مقوله اصلی رفتارهای خودشکنا وجود دارد. رفتارهای خودشکنا از سه خرده مقوله (خودزنی و عدم توجه به خود، آرزوی مرگ و خودکشی و ناامیدی و افسردگی) تشکیل شده است. این وضعیت به عنوان یک راهبرد منفی خطری جدی برای زندگی زنان زلزله زده است. در موارد متعددی گزارش‌هایی از خودکشی زنان در موقع بحران‌های اینچنینی گزارش شده است. در زلزله بم نیز آمارها حاکی از چندین مورد خودکشی بوده است. در راستای تایید همین ادعا برخی از زنان دلایلی از جمله تجاوز و امثالهم را برای اقدام به خودکشی یا تصمیم به آن بیان کرده‌اند. این مساله هرچند به صورت بیانی در گفتگوی آنها دیده شده، اما باید در مورد آن جدی بود. در همین راستا یکی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که:

من دیگه آن دختر با اعتماد به نفس گذشته نبودم... از بین رفته بودم... بیست سالم بود بدترین بلاها سرم اومد... الانم نتونستم با خودم کنار بیام. چندبار تصمیم به خودکشی گرفتم اما نتونستم.

در سومین مقوله راهبردی انفصال و کناره‌گیری اجتماعی وجود دارد. این مقوله اصلی از سه خرده مقوله (بی‌تفاوتی، مکانیزم انکار در ذهن و انزواگزینی) تشکیل شده است که هرکدام از خرده مقولات چندین گزاره معنادار در راستای تاییدشان وجود دارد. برای مثال برخی از مشارکت‌کنندگان بیان می‌کند که:

این دوران بخشی از شخصیتم شده دیگه نمی‌تونم ازش جدا شم... واقعا آدم افسرده ای هستم...

تا چند سال بعد از زلزله احساس پوچی و افسردگی می‌کردم...

بعد زلزله باید اول بازسازی فکری می‌کردند... باید ذهن افراد رو نجات می‌دادند... خونه ساختن راحت ... اما زندگی ساختن سخته... زنان بم فقط خونه از دست نداده بودند که با ساخت خونه مشکلاتشون حل شه. زنان بم زندگی شونو از دست داده

بودند.

در نهایت در آخرین استراتژی تلاش‌های جعلی برای بهبود وجود دارد. این مقوله نیز از سه خرده مقوله (تن فروشی و تجربه روسپی شدن، تکدی‌گری و مشاغل کاذب و کسب درآمد از جسم) تشکیل شده است. این مقوله به عنوان یک راهبرد منفی عامل مهمی در بروز آسیب‌های بعدی هستند و پیامدهای نامطلوبی برای زندگی زنان به دنبال دارد. همه خرده مقوله‌های بیان شده در این زمینه که تلاشی جعلی برای بهبود وضعیت خود تلقی می‌شوند، همپوشانی بالایی با هم دارند. در راستای تایید این ادعاها برخی از مشارکت کنندگان با هم هم داستانشان که زلزله وضعیت آنها را به طور جدی تحت تاثیر قرار داده است. برای تایید همین مساله یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کند که:

زنانی بودند که همه کسشونو از دست دادند... ته‌های تنها شده بودند... چندین مورد را دیدم که به تن فروشی افتاده بودند... خیلی برام سخت بود دیدن این وضعیت...

در مورد دیگری هم یکی از مشارکت کنندگان از آسیب‌هایی حرف می‌زدند که بین اکثر آنها مشترک بود:

من دار قالی داشتم... تو زلزله از بین رفت ... بعدش دیگه نتونستم کار کنم... تا سالها درگیر خونه بودیم و اون اوایل تو چادر بودیم .... درآمدش بد نبود. با زلزله اونم رفت... ما واقعا گدا شدیم... می‌دیدم خیلی از زنان اینجا میرفتن رفسنجان گدایی... این موارد راهبردهایی بودند که زنان زلزله زده بعد از زلزله در پیش گرفته بودند و این راهبردهای منفی علاوه بر اینکه زمینه ساز آسیب‌های بعدی بودند، خود محصول آسیب‌های ناشی از زلزله بودند.

#### - پیامدها

پیامدها عموماً نتایجی هستند که در اثر راهبردها پدیدار می‌شوند. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند و معمولاً پیامدها را همواره نمی‌توان پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که افراد قصد آن را داشته‌اند. پیامدها ممکن است حوادث و اتفاقات باشند، شکل منفی به خود بگیرند، واقعی یا ضمنی باشند و در حال یا آینده به وقوع بپیوندند. همچنین این امکان وجود دارد که آنچه که در برهه‌ای از زمان پیامد به شمار می‌رود در زمانی دیگر به بخشی از شرایط و عوامل تبدیل شود. به همین خاطر است در مدل پارادایمی در نهایت فلشی از پیامدها به سمت عوامل و شرایط کشیده می‌شود. پیامدها در این مدل از پنج مقوله اصلی؛ آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها و تنزل منزلت مادری تشکیل شده است. در اولین مقوله اصلی آزار جنسی با دو خرده مقوله (تجاوز و خشونت جنسی و خطر روسپی شدن) تعریف شده و در تایید این مقولات یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کند که:

یه جاهایی بود عمدی خودشونو بهمون می‌مالیدن ... یه همسایه مون داستان بدتری تعریف کرد. تو اون اوضاع بهش تجاوز شده بود توسط همین بومی های خودمون. نمونه های زیادی بودن اینجوری شده بودن... حتی دخترای کوچیک!

در مقوله بعدی که پیامد مهمی محسوب می‌شود، سوگ باقیمانده وجود دارد. سوگ به طور سنتی حدود شش ماه تا یکسال طول می‌کشد. برخی علائم و نشانه‌های سوگ ممکن است بیش از یک تا دو سال طول بکشد و شخص بازمانده احساسات، نشانه‌ها و رفتارهای مربوط به سوگ را در تمام طول عمر تجربه کند. این تجربه طولانی مدت سوگ که از آن به عنوان سوگ باقیمانده یاد می‌شود خود یک آسیب جدی است و نتیجه آن افسردگی طولانی مدت فرد است. مقوله سوگ باقیمانده از سه خرده مقوله (سوگواری دائمی، حجم بالای از دست دادگان و از دست دادن عزیزان) تشکیل شده و مصداق‌های آن شامل اظهار نظرهایی است که نشان می‌دهد که بعد از گذشت چندین سال از آن فاجعه، هنوز غم بسیاری از آنها تازه است:

یک شبه خانواده‌ام برای همیشه رفتند. تنها مانده‌ام. فقط به من بگویند باید چه کار کنم. همه فرزندانم رفتند. شوهرم رفت. همه آنها زیر آوار مانده‌اند. می‌بینید که هنوز سر تا پا سیاه پوشیده‌ام!

حالا دیگر برای همیشه سیاهپوش شده‌ام. سال‌ها گذشته اما من هنوز داغدارم.... داغ پسر! داغ دختر...

در پیامد دیگری تجربه خشونت وجود دارد. خشونت تجربه شده در این زنان به اشکال مختلفی نمود پیدا کرده بود و از خشونت جنسی و عاطفی گرفته تا خشونت جسمی زنان زلزله زده را به شکل‌های مختلفی آزار داده است. خشونت به عنوان یک رفتار ناپسند تحت تاثیر عوامل مختلفی است که از آن جمله می‌توان به مسایل روانی، افزایش فقر، گرانی، تورم و وضعیت اقتصادی نابسامان اشاره کرد و این عوامل به دنبال خود زمینه‌های کاهش تاب‌آوری و تحمل را در جامعه به همراه آورده‌اند. اما در این بررسی خشونت محصول فاجعه و بحران محیطی است. ان خشونتی که در اینجا مورد بحث است در اثر پیامدهای زلزله به وجود آمده و نصیب زنان بازمانده از زلزله شده است. تجربه خشونت از سه خرده مقوله (خشونت علیه زنان، قربانی تجاوز جنسی و تنش‌های تجربه شده) تشکیل شده و در راستای تایید این خرده مقولات اظهارنظرهای متعددی بیان شده است. برای نمونه یکی از مشارکت کنندگان بیان می‌کند که:

در همون اوایل که جای خواب نداشتیم وضعیت خوبی نداشتم و چندین بار مورد تجاوز قرار گرفتم. آزار جنسی دیدم. بارها توسط کارگرهایی که برای ساخت و ساز اومده بودند عذاب دیدم ...

به معنای واقعی انواع خشونت‌ها را تجربه کردم... خشونت جنسی، خشونت روحی ... خدا برای کسی نخواهد! در بحث پیامدها باید به یک پیامد مهم دیگر اشاره کرد. این پیامد زنانگی آسیب‌هاست. زنانگی آسیب‌ها به معنای وضعیتی است که آسیب‌هایی برای زنان اختصاصی شده شاید برای مردان چندان شکل آسیب نداشته باشند. زنانگی آسیب‌ها شامل سه خرده مقوله (زنانه شدن آسیب‌ها، زنانه شدن فقر و بیکاری و زنانه شدن اعتیاد) است. در راستای تایید این مقولات برخی مشارکت کنندگان بیان می‌کنند که:

زنانی که شوهرشون مرده بود خیلی فقیر شده بودن... فقر هم همه بدبختی هارو میاره...

خیلی از ماها رو درگیر مواد مخدر و اعتیاد کردن...

در نهایت در آخرین پیامد تنزل منزلت مادری وجود دارد. بدون شک نقش و منزلت مادری بالاترین نقش‌ها در جامعه به حساب می‌آید، اما متأسفانه در برخی جوامع این نقش نادیده گرفته می‌شود و برای نقش مادری مانند سایر مشاغل برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی انجام نمی‌شود. علاوه بر این مسایل در مواقع بحران نیز این نقش فراموش می‌شود و این جایگاه تنزل چشمگیری می‌یابد. تنزل منزلت مادری از دو خرده مقوله (فرو دست نگه داشتن زنان و تحقیر نقش مادری) تشکیل شده است. بر همین اساس و بر اساس آنچه خود زنان در گفتگوی خود بیان کرده‌اند، زنان زلزله زده به عنوان سربار دیده می‌شوند و نقشی در بازسازی به آنها سپرده نمی‌شود. همچنین در اظهارنظری بیان می‌کنند که: هیچ وقت به آنها رسیدگی نشد... زنان بم بعد از زلزله به حال خود رها شدند... بنیان خانواده‌ها فرو ریخت! بعضی معتاد شدن. بعضی به فساد کشیده شدند و برخی هم سر به بیابون گذاشتند و رفتند...

زنان زیادی در این زلزله آسیب دیدند و تحقیر شدند. شکل عادی زندگی به هم ریخت و شرایط هیچ وقت مانند گذشته نشد.

### تحلیل مقوله هسته (مرکزی)

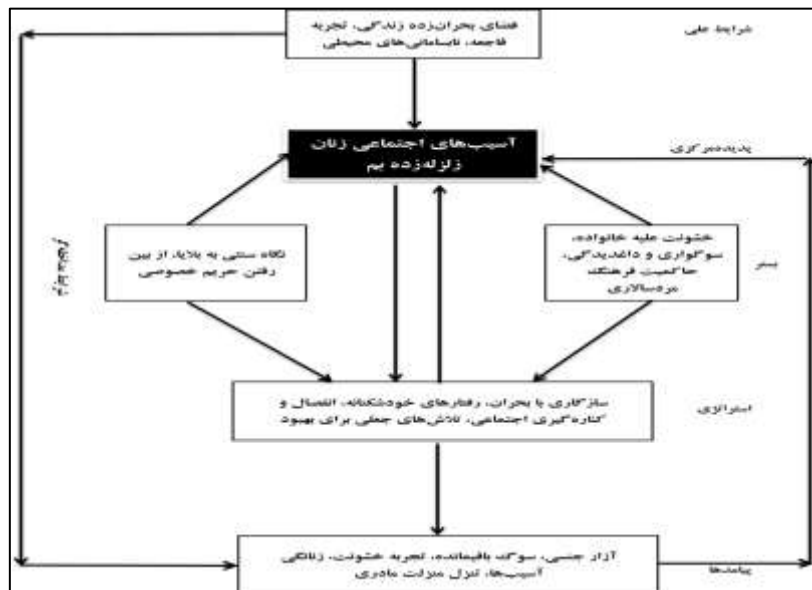
آخرین مرحله کدگذاری مرحله کدگذاری گزینشی است که در آن کدهای به دست آمده در مرحله کدگذاری محوری را در سطحی انتزاعی‌تر ادامه می‌دهد. هدف از این کار، یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌های کسب شده در مرحله کدگذاری محوری است. در این مرحله است که شکل‌گیری و پیوند هر مقوله با سایر مقوله‌ها شرح داده می‌شود و مقوله هسته نهایی به دست آمده که کل مفاهیم و مقوله‌ها را در بر می‌گیرد. با ترکیب ۱۷ مقوله اصلی پژوهش (فضای بحران زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی، تجربه خشونت، سوگواری و داغ‌دیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری، نگاه سنتی به بلایا، از بین رفتن حریم خصوصی، سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه، انفعال و کناره‌گیری اجتماعی، تلاش‌های جعلی برای بهبود، آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، تنزل منزلت مادری)، مقوله هسته نهایی در مرحله

کدگذاری گزینشی ظهور کرد. با توجه به مقولات عمده و توضیحات فوق می‌توان گفت که مقوله؛ آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در فضای بحران‌زده و نابسامان زندگی فاجعه‌وار و در بستر تجربه خشونت، سوگواری و داغدیدگی، با راهبردهای سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه و انزوا، و تلاش‌های ناکام‌گونه به پیامدهای آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت و حتی تنزل منزلت مادری منجر شده است، می‌تواند همه مباحث زنان زلزله‌زده شهر بم را از آسیب‌های اجتماعی تحت پوشش قرار دهد و نیز جنبه تحلیلی داشته باشد. بر اساس مقوله هسته نهایی که خود برگرفته و انتزاع شده از سایر مقولات عمده‌ارایه شده است، زنان زلزله‌زده در بم در تجربه زیست خود شرایط علی، بستر و پیامدهای آسیب‌های ناشی از زلزله را تجربه، درک و یا تصور می‌کنند. آنها در شرایط و بستر تعاملی خاصی بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از زلزله را تبیین کرده‌اند که اگر این شرایط در هر جا مهیا شود، انتظار خیزش بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از زلزله یا بحران‌های طبیعی بالا می‌رود.

### ترسیم مدل پارادایمی

در مجموع یافته‌های کیفی پژوهش حاضر نشان دادند که برساخت اجتماعی و تجربه شخصی زنان آسیب‌دیده در زلزله بم از آسیب‌های اجتماعی در شرایطی مختلفی اتفاق می‌افتد. آنها رویکردهای متفاوتی را در راستای بحران‌ها و آسیب‌های ناشی از زلزله در بم بیان کرده‌اند، اما همگی بر اساس ترکیب آرای آنها به اتفاق نظر واحدی با نام یک تئوری بومی رسیده‌اند. در کل همه آنها در این مساله که دلایل بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی ناشی از زلزله وجود دارد، اتفاق نظر دارند، اما هر کدام از رویکردی متفاوت به این مقوله نگاه کرده‌اند و پاسخ‌های متفاوتی به سوال اصلی پژوهش داده‌اند. در یک رویکرد کلی می‌توان همه یافته‌ها را می‌توان در یک مدل پارادایمی برای فهم بهتر ترسیم کرد. همانگونه که در شکل شماره ۴-۲- مشاهده می‌شود، این مدل دارای بخش‌های؛ شرایط علی، پدیده، بستر، شرایط مداخله‌گر، استراتژی و پیامد است. پدیده مرکزی این مدل، آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده شهر بم هستند که محور سوالات مصاحبه کیفی و اطلاعات نظری و مفهومی زنان زلزله‌زده بم بوده است. همچنین در این مدل شرایط علی شامل سه مولفه؛ فضای بحران‌زده زندگی، تجربه فاجعه، نابسامانی‌های محیطی است. شرایط علی در مدل پارادایمی پژوهش دارای اثرگذاری چندگانه‌ای است که می‌تواند علت مستقیم و غیرمستقیم الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان باشد. برای مثال شرایط علی با اثرگذاری مستقیم خود بر الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان می‌تواند عامل این آسیب‌ها باشد و از طرفی دیگر همچنین شرایط علی می‌تواند اثر مستقیمی بر بسترهای (خشونت علیه خانواده، سوگواری و داغدیدگی، حاکمیت فرهنگ مردسالاری) اثرگذار الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان داشته باشد. علاوه بر آن شرایط علی هم بر استراتژی‌ها و هم بر پیامدها اثر غیرمستقیمی دارد. همچنین در تحلیل مدل پارادایمی باید گفت شرایط مداخله‌گری نیز وجود دارند که می‌تواند بر الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان اثر مستقیمی داشته باشند. این شرط مداخله‌گر شامل؛ نگاه سنتی به بلایا و از بین رفتن حریم خصوصی است که می‌تواند شتابدهنده آسیب‌های اجتماعی زنان باشند. این شرایط مداخله‌گر اثری دوسویه در مدل پارادایمی دارد و همزمان هم بر پدیده مرکزی و هم بر استراتژی‌های موجود در مدل اثر دارد. علاوه بر شرط مداخله‌گر بسترهای شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی نیز اثر دوسویه در مدل دارد. ابتدا به طور مستقیمی بر الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان اثر دارد و به دنبال آن بر استراتژی‌ها نیز اثرگذار است. خود استراتژی‌ها نیز با چهار مقوله محوری؛ سازگاری با بحران، رفتارهای خودشکنانه، انفصال و کناره‌گیری اجتماعی و تلاش‌های جعلی برای بهبود هم بر پدیده مرکزی و هم بر پیامدهای مدل که شامل چهار مقوله؛ آزار جنسی، سوگ باقیمانده، تجربه خشونت، زنانگی آسیب‌ها، و تنزل منزلت مادری است، اثرگذارند. در نهایت پیامدها خود می‌توانند بازتولید کننده بحران‌ها و آسیب‌های اجتماعی در بم باشند. شکل مدل پارادایمی پژوهش در ادامه آمده است.





شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

### نتیجه‌گیری

شاید در بحث آسیب‌های اجتماعی به مانند هیچ پدیده‌ای دیگر آنقدر نظریه وجود نداشته باشد، اما مساله این است که همه یا هیچکدام از این نظریات نمی‌توانند تبیین کننده آسیب‌های اجتماعی یک قشر خاص (زنان) و یا یک فرهنگ (شهر بم) خاص باشند. بنابراین محقق در این زمینه درصدد برآمد تا با الگویی بومی برخاسته از آرا و عقاید زنان آسیب‌دیده در زلزله بم که تجربه مستقیمی از این پدیده دارند، بتواند رویکردی نوینی به تبیین الگوی آسیب‌های اجتماعی زنان در ایران ایجاد کند. بر همین اساس یافته‌های کیفی این پژوهش در راستای آگاهی از ذهنیت زنان آسیب‌دیده در زلزله بم از الگوی آسیب‌های اجتماعی بوده است و هدف پژوهشگر می‌تواند کشف مدلی برای تبیین آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در شهر بم باشد، بنابراین این مهم با نظر و عقاید خود زنان آسیب‌دیده در این زلزله ممکن می‌شود. محقق در ابتدا با انجام مصاحبه‌های عمیق در میان زنان آسیب‌دیده در زلزله بم به تدوین الگوی بومی آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده در بم پرداخته است. داده‌های پژوهش کیفی، حاصل استخراج پرسشنامه‌هایی است که توسط تعداد ۱۲ نفر از زنان آسیب‌دیده در زلزله بم گردآوری شده و نکته‌های معنادار و ناب متن گفتگوی آنها عصاره اصلی نظریه استخراجی را تشکیل می‌دهد. طول زمان مصاحبه با این زنان بین ۴۵ دقیقه تا ۱۲۲ دقیقه بوده و کمترین مصاحبه در عرض ۴۵ دقیقه و بیشترین مصاحبه بیش از یک ساعت به طول انجامیده است. در مجموع محقق با همه افراد ۱۰۲۳ دقیقه مصاحبه و گفت‌و شنود علمی پیرامون مسایل و آسیب‌های اجتماعی زنان زلزله‌زده داشته است. نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارایه شده و در مرحله کدگذاری باز، بیش از ۲۲۴ مفهوم و گزاره معنادار استخراج شد. در مرحله بعد ۲۱۸ مفاهیم متناظر از تعداد ۲۲۴ گزاره‌های معنادار کلی موجود در متن مصاحبه‌ها استخراج شد. این مقوله‌ها دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند و به راحتی می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد. در ادامه فرایند کدگذاری از تعداد ۲۱۸ مفاهیم متناظر تعداد ۴۵ خرده مقوله استخراج شده که دارای ارتباط مفهومی با همدیگر هستند. همچنین بخاطر نزدیکی معنایی بسیاری از خرده مقولات محوری در مرحله کدگذاری محوری ۴۵ خرده مقوله موجود به ۱۷ مقوله محوری تبدیل شده‌اند. هرچند مشارکت‌کنندگان پژوهش اشاره تلویحی به برخی از خرده مقولات داشته‌اند، اما حدود ۹۰ درصد خرده مقولات و ۹۵ درصد مقولات محوری ساخته و انتزاع شده ذهن محقق است که با توجه به حساسیت نظری موجود اقدام به مقوله‌سازی شده است. در نهایت پس از بررسی دقیق‌تر و پیوند بین مفاهیم خرده مقولات، ۱۷ مقوله

محوری به دست آمد که این مقولات با انتزاع بیشتر این مقولات در مرحله کدگذاری گزینشی، یک مقوله هسته‌ای تبدیل شد که همه مقولات دیگر را تحت پوشش قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که، در واقع ریشه مسائل جامعه‌ای در بطن نهادهای اجتماعی است که بر اثر کارکرد نامناسب آنها شکل می‌گیرد و فراسوی افراد و گروه‌های اجتماعی نمایان شده و جنبه‌های عینی و ذهنی به خود می‌گیرد. مسائل جامعه‌ای در متن جامعه به بار می‌نشینند و در بستر زمان می‌توانند به آسیب دیدگی افراد منجر شده و بستر انحرافی آنها را فراهم سازند. چیزی که عملاً در بحران‌های بعد از زلزله بم اتفاق افتاد و آسیب‌های جدی‌ای از جمله خشونت علیه زنان را برای آنها به ارمغان آورد. همچنین هنگامی که مسائل اجتماعی و آسیب‌های آن در جامعه زمانی طولانی دوام یابند، به بی‌سازمانی یا بدسازمانی اجتماعی دامن زده، زمینه‌های مستعد را برای مساله‌ای دیگر به نام کجروی‌های اجتماعی و پیامدهای آن به عنوان آسیب‌های جامعه‌ای فراهم می‌سازد. اتفاقی که در زلزله بم به خوبی می‌توان دید. بدون شک آسیب اجتماعی وقایع و پدیده‌هایی هستند که هر جامعه‌ای در زمان معین و یا شرایط مشخص با رجوع به مجموعه ارزش‌های مورد باور خود، آنها را غیرمنطقی و منحل نظم جامعه می‌پندارد و اصولاً با ارزش‌گذاری منفی همراه است، ولی در جامعه‌ای کوچک ممکن است بخشی از سبک رفتاری شهروندان شده و حتی در آنها نهادینه شوند. مسائل اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی، هر دو نشان دهنده وضعیت متفاوت از وضعیت مطلوب و مورد انتظار جامعه است، وضعیتی که نوعی نارضایتی اجتماعی نسبت به آن وجود دارد و مدیران و اندیشمندان و اصلاحگران جامعه، خواهان دگرگونی در آن وضعیت هستند. می‌توان گفت که آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی نوع خاصی از مسائل اجتماعی هستند که شدت ناپسندی اجتماعی و اخلاقی آنها بیشتر است و گاهی با مجازات‌ها و پیگردهای قانونی همراه هستند، بنابراین آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، بخشی از مسائل اجتماعی هستند؛ یعنی هر آسیب یا انحراف اجتماعی را می‌توان یک مساله اجتماعی تلقی کرد، ولی هر مساله اجتماعی را نمی‌توان آسیب یا انحراف اجتماعی برشمرد. بر همین اساس اگر در جامعه‌ای تعداد مساله‌ها بیشتر شود، باید انتظار عرج و مرج و فروپاشی اجتماعی داشت. هرچند آسیب‌های اجتماعی موجود در شهر بم به فروپاشی اجتماعی منجر نشد، اما فروپاشی بسیاری از خانواده‌ها را به ویژه فروپاشی زنان را فراهم آورد. در اشاره‌ای جامع به مصادیق آسیب‌های اجتماعی زنان در شهر بم بعد از زلزله می‌توان مواردی چون؛ اعتیاد، طلاق، بیکاری، قاچاق مواد مخدر، فقر، تکدی، فرار از منزل، کودکان کار و خیابان، دختران فراری، کودک آزاری، همسرآزاری، حاشیه نشینی، روسپیگری، خشونت خانگی، خودکشی، شرارت، بی‌خانمانی، تجرد، بحران هویت، آدم ربایی، اوباشگری، قتل، سرقت، مزاحمت خیابانی، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، آوارگی، در راه ماندگی را دید.

#### منابع

- اعظم‌آزاده، منصوره؛ مظفری، خدیجه. (۱۳۹۶). طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج‌کرده با اتباع خارجی (عراقی-افغانی) و عوامل مؤثر بر آن. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۲)، ۵۳-۷۴. doi: 10.22059/ijsp.2018.65053
- افراسیابی، حسین؛ جهانگیری، ساناز. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین‌شهر). زن در توسعه و سیاست، ۱۴(۴): ۴۳۱-۴۵۰. doi: 10.22059/jwdp.2016.60963
- بابایی‌فرد، اسدالله؛ حبیبی‌راد، لیلی. (۱۳۹۷). تجربه زنان معتاد بهبودیافته از طرد اجتماعی در شهر قم. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، ۲۱(۸۱) پاییز (۱۳۹۷)، ۱۶۷-۱۸۹. doi: 10.22095/jwss.2018.89256
- خسروی، زهره (۱۳۸۰). «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره ۳۹: ۹۳-۱۷.
- رحمانی بیلندی، رقیه؛ خلج‌آبادی فراهانی، فریده؛ احمدی، فضل...؛ کاظم‌نژاد، انوشیروان؛ محمدی، رضا. (۱۳۹۴). تبیین درک زنان از بهداشت قاعدگی در مناطق زلزله زده. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۱۳۹۴؛ ۲۵ (۱۲۵): ۴۹-۶۰

- رضائی، مهدی؛ آبدار، شیرین. (۱۳۹۶). خشونت جنسی در خانواده: یک پژوهش کیفی. پژوهش‌نامه زنان، ۸(۱۹)، ۳۵-۵۹.  
زارغان، منصوره؛ زارعی، معصومه؛ هنردوست، عطیه. (۱۳۹۷). توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران. زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۲): ۳۱۹-۳۳۸. doi: 10.22059/jwdp.2018.246227.1007314  
ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران: انتشارات سروش.  
شادی طلب، ژاله؛ گرابی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار. زن در توسعه و سیاست، ۲(۱)، ۷۰-۴۹.  
صادقی فسایی، سهیلا. (۱۳۸۹). خشونت خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی). بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۱): ۱۴۲-۱۰۷.  
صادقی فسایی، سهیلا؛ خادمی، عاطفه. (۱۳۹۵). فراتحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۹(۳۳): ۱۷۱-۱۹۹.  
صادقی فسایی، سهیلا؛ مقدم، سمیه. (۱۳۹۲). مسئله‌شناسی زنان بنا بر روایت زنان (مطالعه کیفی)، رفاه اجتماعی، ۱۳، ۱۳۹۲، ۳۴۶-۳۰۹: (۴۹).  
صادقی فسائی، سهیلا؛ رجب‌لاریجانی، مهسا. (۱۳۹۰). مطالعه جامعه‌شناختی آزار جنسی زنان در محیط کار، فصلنامه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، (پیاپی ۳۰)، پاییز ۱۳۸۹ شماره ۳.  
کریمی زاده، الهام؛ بوستانی، داریوش. (۱۳۹۶). پیامدهای مصرف شیشه: مطالعه کیفی زنان معتاد در شهر کرمان. مطالعات زن و خانواده، ۵(۱)، ۷-۳۴. doi: 10.22051/jwfs.2016.11103.1200  
لطفی خاچکی، بهنام؛ رازقی، نادر. (۱۳۹۸). تحلیل برجسته سازی مسائل اجتماعی در سازمان مردم نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی استان تهران، رفاه اجتماعی، ۱۹، ۱۳۹۸، ۳۲۵-۳۶۸: (۷۴).  
معتمدی، هادی. (۱۳۸۶). اولویت‌بندی آسیب‌ها و مسائل اجتماعی در ایران، رفاه اجتماعی، ۶(۲۴): ۳۲۷-۳۴۸.  
نجار نهبانندی، مریم؛ آهنگر سلابتی، اعظم. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت جنسی زنان. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱(۳)، ۱۷۷-۱۶۷.  
Banarjee, Subrata. (2020). Identifying factors of sexual violence against women and protection of their rights in Bangladesh, Aggression and Violent Behavior, In press, journal pre-proof Available online 14 February 2020 Article 101384  
McGowan, J., & Elliott, K. (2019). Targeted violence perpetrated against women with disability by neighbours and community members. *Women's Studies International Forum*, Volume 76, September–October 2019, 102270. doi:10.1016/j.wsif.2019.102270.  
Qu, Zhiyong; Tian, Donghua; Zhang, Qin; Wang, Xiaohua; He, Huan; Zhang, Xiulan; Huang, Lili; Xu, Fan. (2012). The impact of the catastrophic earthquake in China's Sichuan province on the mental health of pregnant women. *Journal of Affective Disorders*. 2012 Jan;136(1-2):117-123. DOI: 10.1016/j.jad.2011.08.021.  
Romano, Mia; Moscovitch, David A.; Ma, Ruofan; Huppert, Jonathan D. (2019). Social problem solving in social anxiety disorder, *Journal of Anxiety Disorders*, Volume 68, ISSN 0887-6185, https://doi.org/10.1016/j.janxdis.2019.102152.  
Ruangnapakul, N., Yusof, N., & Hamid, N. A. (2018). Perspectives on violence against women in Thai film: *The Eternity*. *Kasetsart Journal of Social Sciences*. Volume 39, Issue 3 September–December 2018 Pages 509-517, doi:10.1016/j.kjss.2018.07.005  
Tamdee, Patrapan; Dendoung, Suphot; Muttiko, Mullika; Sringernyuang, Luechai. (2016). Modern social life and never-married women's health problems, *Kasetsart Journal of Social Sciences*, Volume 37, Issue 1, Pages 15-21, ISSN 2452-3151, https://doi.org/10.1016/j.kjss.2016.01.002.